

مبانی فقهی مرزبانی در مسئولیت نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران

حبیب قیصری - طلبه‌ی سطح سه، کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی

چکیده:

حفاظت از مرزهای سرزمینی هرکشور یکی از مهمترین وظایف و شاید بتوان گفت مهمترین وظیفه دولت‌ها به شمار می‌رود. در نظام جمهوری اسلامی ایران نیز مجموعه نیروهای نظامی و غیر نظامی مسئولیت این امر خطیر را عهده دار هستند. نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران در راستای وظایف خود و در چارچوب پلیس مرزبانی تأمین امنیت نقاط مرزی را عهده دار می‌باشد. بدین منظور پلیس مرزبانی جمهوری اسلامی ایران وظایفی همچون نظارت بر نصب و مقررات علائم مرزی، بررسی قوانین و مقررات مرزی، رعایت قوانین کشور و قوانین بین‌المللی مرتبط با مرزها و... را بر عهده دارد.

این وظایف پلیس مرزبانی، اگر چه مبتنی بر قانون و نظام اداری جمهوری اسلامی ایران است، اما ریشه در شریعت مقدس اسلامی و قوانین و متون فقهی دارد. درقرآن کریم آیات متعددی در باب جهاد با کفار مقاتله و حفظ مرزها و سرحدات بلاد اسلامی وجود دارد. درسیره پیامبر اکرم(ص) و ائمه معصومین نیز روایات زیادی هست که به مسئله مرزها، مسئله دارالاسلام و دارالکفر اشاره دارد. در نهایت باید اذعان کرد که مراجع عظام شیعه نیز در دفاع از مرزها، احکام فقهی زیادی داده‌اند. بدین ترتیب اصول و مبانی فقهی نقش مهمی در تعیین حدود و ثغور وظایف مرزبانان و مسائل مرزبانی و مرز و دفاع از کشور دارد.

کلیدواژه:

مبانی فقهی، مرز، پلیس مرزبان، جمهوری اسلامی ایران، دفاع، مسئولیت، نیروی انتظامی.

مقدمه:

امروزه مرزهای سرزمینی در زمره یکی از مهمترین مسائل ملی و بین‌المللی به شمار می‌رود. از منظر فلسفه سیاسی مرزهای جغرافیایی یکی از چهار عنصر اصلی تشکیل دهنده دولت‌های مدرن می‌باشد. (عالم، 1385، ص 35) چراکه بدون وجود عنصر سرزمین و مرزهای ملی نمی‌توان دولت ملی مدرن را متصور شد. پس بی‌راه نخواهد بود اگر دفاع از مرزهای ملی و سرزمینی دولت را مهمترین وظیفه نیروهای نظامی هر کشوری بدانیم.

نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران نیز در کنار سایر قوای مسلح عهده دار این مسئولیت خطیر می‌باشد. ناجا این وظیفه را در قالب پلیس مرزبانی و تشکیل هنگ‌های مرزی به انجام می‌رساند. قوانین، حقوق، تکالیف و وظایف مردم، نهادها و سازمانها در نظام جمهوری اسلامی ایران اگر چه ملهم از مکاتب علمی و فرهنگی می‌باشد، اما بی‌تردید از دریای زلال شرع مقدس اسلام سرچشمه می‌گیرد و از آبشخور قوانین و اصول دینی و مبانی و معارف فقهی سیراب می‌شود. بر این اساس این مقاله درصدد است تا این سرچشمه و مبانی فقهی را در زمینه مسئولیت پلیس مرزبانی و مسئله مرزها به مخاطب بنماید. لذا تلاش نگارنده در این مقاله بر این است تا نشان دهد که چگونه آیات قرآنی و روایات وارده از معصومین علیهم السلام بر وظایف و تکالیف مرزداران و احکام و قوانین مرزداری دلالت دارد و نهایتاً مراجع عظام تقلید با تاسی به این مبانی چه استنباطی پیرامون این موضوع دارند. بدین منظور ابتدا سعی می‌شود تا با مروری کوتاه بر اهرم وظایف نیروی انتظامی در حوزه مرزبانی پرداخته و در ادامه مبانی فقهی آن مورد بررسی قرار گیرد.

مرز

مرز نشا ندهنده پایان سرزمین و قلمرو يك کشور است. در داخل مرزهای مشخص است که مردم احساس وابستگی به آب و خاک می‌نمایند و به این طریق است که احساسات ملی و میهن پرستی شکل می‌گیرد. اشعار حماسی، اسطوره‌ها، نمادها و فرهنگ ملی هر کشور نشا ندهنده تعلق خاطر مردمان آن کشور به سرزمین آبا و اجدادی‌شان است، به سرزمینی که در آن زندگی می‌کنند و یا سال‌ها در آن زیسته‌اند. در واقع سرزمین خانه بزرگی است که مردم با علائق مشترک خود نسبت به آن احساس مالکیت جمعی می‌کنند، امنیت خاطر خود را در آن می‌بینند و همبستگی عمیق و اجتناب ناپذیری را از این طریق نسبت به همدیگر احساس می‌کنند. همواره سربازی و مرگ در راه حفظ میهن در نزد هر ملتی امری مقدس و افتخاری جاویدان تلقی می‌شود. در واقع مرز حائل بین یک کشور با همسایگان و دیگر کشورهاست و در داخل مرزهاست که سرزمین یا قلمرو سرزمینی یک دولت معنا پیدا می‌کند. به میزانی که مرزهای یک کشور طولانی‌تر باشد از قلمرو سرزمینی بیشتر و احتمالاً همسایگان بیشتری برخوردار می‌باشد.

جمهوری اسلامی ایران دارای 8755 کیلومتر مرز دریایی- زمینی- رودخانه‌ای با هفت کشور همسایه است که کمتر کشوری در جهان دارای این ویژگی است.

مرزها به دو گروه اصلی تقسیم می‌شوند:

الف- مرزهای طبیعی: مرزهایی که با توجه به نشانه‌های طبیعی مشخص می‌شوند مانند مرزهای کوهستانی که نقطه خط‌مرزی بین دو کشور معمولاً بر اساس خط‌الرأس جغرافیایی مشخص می‌شود و یا مرزهای آبی که در رودخانه‌ها معمولاً بر اساس خط تالوگ مشخص

می‌شود. (بابایی، 1369، ص 733)

ب- مرز های مصنوعی: این نوع مرز همان گونه که از اسم آن پیداست مصنوع و ساخته دست بشر می باشد. مانند تفکیک نقاط مرزی با استفاده از سیم خاردار، کشیدن جاده بین مرز، آسفالت مرزی، نصب میله و یا سایر علامت‌های مرزی.

نوع دیگری از تقسیم بندی از مرز وجود دارد که به صورت زیر می باشد:

مرز هوایی: امتداد مرزهای سرزمینی به سمت بالا (آسمان) را مرز هوایی گویند. این گونه مرزبندی در زمان های قدیم مرسوم نبوده و مختص دوران جدید می‌باشد. این نوع مرز بیشتر در زمینه صنایع هوایی همچون هواپیما، موشک، بالگرد و سایر مصنوعات هوایی می‌باشد. (همان- 734 ص 735)

مرز دریایی: مرز دریایی مختص کشورهایی است که هم‌جوار دریا ها و یا دارای خط ساحلی می باشند. مرز دریایی غالباً بر اساس دریای سرزمینی تعیین می‌شود که به اندازه برد توپخانه و معادل 20 تا 25 مایل دریایی می‌باشد. دریای سرزمینی نیز جزئی از خاک و قلمرو یک کشور به شمار می رود که تعرض به آن به مثابه تعرض به خاک کشور محسوب می شود و از جنبه حقوق بین الملل عمومی نیز جرم محسوب می شود. تقسیمات دیگری نیز در مرزهای آبی وجود دارد. مانند فلات قاره که در این جا مجال پرداختن به آن نیست و زمانی دیگر و بحثی دیگر دارد (والاس، 1378، صص 211 و 213)

مرزهای خشکی: این نوع از مرزها مهمترین نوع مرز به شمار می رود که از قدیم الایام مرسوم بوده است و حائل میان کشور ها در عرصه سرزمینی به شمار می رود. تقریباً به جز جزایر، تمام کشور های جهان دارای مرزهای خشکی می‌باشند و مضاف بر این مرزهای هوایی کشورها بر اساس این نوع مرز مشخص می‌شود. بر این اساس می توان گفت که مرز خشکی بنیادی‌ترین نوع مرز می‌باشد. مرز خشکی نیز همان‌گونه که در بالا گفته شد می‌تواند به دو صورت طبیعی و مصنوعی باشد. حال که بحث مرز تا اندازه‌ای روشن شد خوب است که به مسئله حفاظت و حفظان امنیت نقاط مرزی اشاره کنیم.

پلیس مرزبانی

همان‌گونه که در بالا گفته شد مرزها تعیین‌کننده قلمرو سرزمینی یک کشورند. سرزمین نیز مبین قلمرو حاکمیت و صلاحیت دولت‌هاست. قدرت‌های عمومی حاکم بر کشورها در محدوده سرزمین خود از اختیارات تام و تمام زمامداری برخوردارند و برای مردم ساکن آن ایجاد حق و تکلیف می‌کنند. این زمامداری طبعاً در محدوده مرزهای شناخته شده متوقف می‌گردد و بدین ترتیب کشورها از هم بازشناخته می‌شوند و روابط بین المللی در نظامی خاص شکل می‌گیرد. بنابراین یکی از مهم‌ترین وظایف دولت‌ها پاسداری از مرزهای کشور است تا بدین وسیله مردم احساس امنیت کنند. امنیت مرزی در واقع به این معناست که مرزهای جغرافیایی کشور اسلامی از تعرض مصون باشد تا بیگانگان نتوانند به جان و مال و حیثیت مسلمانان تعرض نمایند. مسئولیت این نوع امنیت بر عهده پلیس مرزبانی در نیروی انتظامی است و در واقع این پلیس مرزبانی است که وظیفه حفاظت و امنیت مرز را بر عهده دارد.

متأسفانه در اغلب کشورهای همسایه به دلایل گوناگون حکومت‌های مرکزی بر مرزهای خود احاطه ندارند و ناامنی موجود در کشورهای همسایه امنیت کشور ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد و این امر وظیفه خطیر پلیس مرزبانی را دشوارتر و ظریف‌تر نموده است. به علاوه موقعیت راهبردی ایران در خاورمیانه و خلیج فارس با دارا بودن منابع عظیم نفت و گاز و معادن طبیعی همواره مورد طمع قدرت‌های استکباری بوده است و این امر پای سایر دول را به حوزه مرزی ایران باز کرده است و اهمیت وظایف پلیس مرزبانی را دو چندان کرده است. به طور کلی مسئولیت مراقبت و کنترل مرزهای کشور، اجرای معاهدات و پروتکل‌های مرزی، استیفای حقوق دولت و امنیت مرزنشینان در مرزها و محدوده انحصاری و اقتصادی دریاها به عهده فرماندهی پلیس مرزبانی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد (ناصرزاده، 1380، ص 120)

اهم وظایف پلیس مرزبانی جمهوری اسلامی ایران:

در راستای تأمین امنیت نقاط مرزی و حفظ تمامیت سرزمینی، پلیس مرزبانی وظایفی دارد که در زیر به اهم آن اشاره می‌کنیم:

- اقدامات لازم برای حفظ حقوق و تمامیت ارضی و حاکمیت و مالکیت کشور و حفظ حقوق اتباع مرزنشین.

- رعایت و اجرای کامل قوانین کشور و قوانین بین‌المللی که مرتبط با مرزها باشد.

- رعایت اجرای مفاد کلیه معاهدات و قراردادهای پروتکل‌های مصوب مرزی دو جانبه موجود بین

جمهوری اسلامی ایران با کشورهای همجوار (همان، ص 471)

- رسیدگی و اقدامات لازم قانونی در خصوص هرگونه حوادث مرزی.

- نظارت بر نصب و برقراری کلیه علائم مرزی.

- بررسی قوانین و مقررات مرزی و ارائه پیشنهادات در این زمینه.

مبانی فقهی مرزبانی

منظور از مبانی فقهی مرزبانی در واقع همان ریشه ها و مبانی اسلامی است که به پدیده مرز و مرزبانی پرداخته است و غالب فقها نیز با توجه به همین منابع و متون اسلامی، احکام اسلامی در رابطه با مرزبانی صادر کرده‌اند. بدین منظور و در راستای اهداف مقاله حاضر ما به بررسی آیات، روایات، ادعیه و نظرات و استنباط‌های فقها و مراجع تقلید در این زمینه می‌پردازیم.

آیات قرآن که به طور کلی بر همه ابعاد امنیت دلالت دارد، بسیار فراوان است و اگر در قرآن عبارات جهاد و مقاتله را جستجو کنیم از فراوانی آیات به خوبی به اهمیت موضوع آن، که حفظ کیان اسلامی است پی می‌بریم. 1 در قرآن، آیات متعددی در باب جهاد با کفار و دفع شر آنان، بیان شده است و این باب آن قدر با اهمیت است که اکثر مراجع و بزرگان دین، کتاب یا رساله‌ای و یا حداقل قسمتی از رساله عملیه خود را به آن اختصاص داده‌اند. 2 اما پرداختن به همه آنان، علی‌رغم اهمیتی که دارد، در این مقال اندک نمی‌گنجد و فرصت و نوشتاری دیگر را می‌طلبد. لذا ما برای جلوگیری از اطالة کلام به ذکر چند نمونه همراه با تفسیر آن می‌پردازیم. خداوند در قرآن امنیت را یکی از نعمت‌های بزرگ الهی دانسته و به خاطر آن بر مسلمانان منت نهاده است. (سوره قریش، آیه 4) بهترین شهرها را، شهری دانسته است که امنیت در آن وجود داشته باشد. (سوره تین، آیه 3) لذا از آنجایی که مسئولیت‌های امنیتی نیروی انتظامی جنبه دفاعی دارد، در این پژوهش صرفاً به آیاتی از قرآن کریم اشاره خواهد شد، که بر جهاد دفاعی تأکید دارد. همچنین اگر چه آیات قرآنی در این زمینه بسیار زیاد می‌باشد اما در اینجا صرفاً به آیاتی از قرآن کریم که در آن به صورت روشن به حفظ مرزها و سرحدات بلاد اسلامی اشاره و تأکید شده است، می‌پردازیم.

در متون فقهی از مرز بیشتر با واژه «تَعَرُّ» که جمع آن «تَعُور» می‌باشد، نام برده شده است و در قرآن کریم مرز با واژه «رباط» آمده که این واژه در کلام فقها نیز بکار رفته و از مرزبانی با عنوان «مربطه» نام برده شده است و حتی رساله‌های فقهی با همین نام نوشته شده است. کلمه رباط و مشتقات آن پنج بار در قرآن تکرار شده است که دو مورد آن در رابطه با موضوع مرز و تقویت بنیه دفاعی مرزبانان می‌باشد، که در ادامه به بررسی آن می‌پردازیم.

آیه اول:

P يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (آل عمران، 200)

ترجمه آیه: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید شکیبایی پیشه سازید و پایداری ورزید و مرزها را پاس بدارید و از مخالفت با دستورات خدا پروا کنید شاید رستگار شوید و به بهشت و نعمت‌های جاودانه آن برسید» این آیه شریفه که آخرین آیه از سوره مبارکه آل عمران است، پس از ترسیم وضعیت دو گروه مؤمن و کافر، که از آیات 196 شروع می‌شود و تا 199 ادامه دارد، مؤمنان را مخاطب قرار داده و سه عامل موفقیت آنان را به این شرح بیان می‌کند و در قالب صیغه امر به آنان فرمان می‌دهد و آنان را به شکیبایی بر انجام وظایف و جهاد در راه حق و عدالت فرا می‌خواند:

الف- «اصبروا» یعنی شکیبایی پیشه سازید در بدوش کشیدن بار مسئولیت‌ها.

ب- «صابروا» در برابر فشارها پایداری ورزید.

ج- «رابطو» مرزها را نگهبانی کنید (ناصری، ج 1، 1360، ص 671)

واژه رابط در اصل به معنای نسبت است اما در مورد آنان که در دژ پناه می‌گیرند و از ورود دشمن به درون آن سرسختانه جلوگیری می‌کنند نیز بکار می‌رود و «رباط» به مفهوم آماده ساختن و به صف کردن اسب‌ها برای رویارویی با دشمن، بکار رفته است. (همان، ص 679).

در تفسیر این آیه شریفه دیدگاه‌های متفاوت وجود دارد که در ذیل به اهم آنها اشاره می‌کنیم:

تفسیر مجمع البیان: صاحب تفسیر مجمع البیان این آیه شریفه را به این صورت معنا کرده است «ای ایمان آورندگان در دین و آیین آسمانی خویش، ثابت قدم باشید و در برابر کفرگرایان و بیداد پیشگان پایداری ورزید و در برابر تجاوز و تهاجم آنان در راه خدا پیکار کنید» معنا و مفهوم آیه شریفه بیانگر این نکته است که در انجام وظایف و پرهیز از گناه و در جهاد بر ضد دشمن، صبور و پایدار باشید.

گفتنی است که دو واژه صابروا و رابطوا از باب مفاعله‌اند و بکار رفتن آنها در آیه نشانگر این نکته ظریف است که شما نیز باید همانند آنان که در باطن خویش پایداری می‌ورزند و نیرو و امکانات فراهم می‌آورند تا در راه حق و عدالت با قدرت و قوت بیشتر رویاروی آنان بایستند، عمل کنید درست همان گونه که در آیه 60 سوره انفال به این واقعیت تصریح شده است (همان، ص 400).

تفسیر نور: در تفسیر نور در شرح و تفسیر آیه چنین آمده است:

این آیه صبر در برابر انواع حوادث و مصائب را در سه مرحله توصیه می‌کند:

- در مرحله اول در برابر ناگوار یهای شخصی و هوسها صبر کنید «اصبروا».

- در مرحله دوم در برابر فشارهای کفار مقاومت بیشتر کنید «صابروا».

- و در مرحله سوم حفظ مرزهای جغرافیایی از هجوم دشمن، حفظ مرزهای اعتقادی و فکری، از طریق مباحث علمی و حفظ مرز دلها، از هجوم وسوسه‌ها بکوشید «ورابطوا» (قرائتی، ج 2، 1387، ص 232).

در همین کتاب در توضیح کلمه رابطوا آمده است که کلمه رابطوا از ریشه رباط به معنای بستن چیزی در مکان است که به کاروان‌سرا نیز به این دلیل رباط می‌گویند که کاروان‌ها در آنجا اتراق کرده و مال التجاره و اسب و شترها را در آنجا نگه می‌دارند (همان، ص 233).

همچنین در تفسیر نور در ذیل آیه و در پیا می‌های استخراج شده آورده شده است که اگر کفار در کفر خود مقاومت می‌کنند، کشته می‌دهند و مال خرج می‌کنند، شما نیز باید در راه خدا با جان و مال پایداری کنید و همچنین در خصوص اهمیت حفاظت از مرزها همین بس که صبر و تقوی در کنار توجه به مرزها بیان شده است. اصبروا و صابروا و رابطوا (همان، ص 234).

تفسیر المیزان: در تفسیر شریف المیزان ذیل این آیه و در تفسیر کلمه رابطوا آمده است «مربطه» از نظر معنا اعم از مصابره است، چون مصابره یعنی اتحاد و پیوستن نیروها در برابر شدا. اما مربوطه یعنی پیوستن همه نیروها و همه کارها بر جمع ستون اجتماعی دینی، چه در حال شدت و چه در حال خوشی و مراد از مربوطه این است که جامعه به سعادت حقیقی دنیوی و اخروی خود برسد. (علامه طباطبائی، 1383، ج 1، ص 231).

در تفسیر شریف نمونه مطالب بسیار مفصل و دقیقی در تفسیر این آیه و در خصوص مسئله مرزبانی بیان شده است. تفسیر نمونه چنین بیان

می کند که این آخرین آیه سوره آل عمران و محتوی یک برنامه جامع چهارماده‌ای برای مسلمین به شرح زیر می باشد.
نخست روی سخن را به همه مؤمنان کرده و به اولین ماده این برنامه اشاره می کند و می فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید در برابر حوادث ایستادگی کنید» یا ایها الذین امنوا اصبروا.

صبر و استقامت در برابر مشکلات، هوس‌ها و حوادث در حقیقت ریشه اصلی هرگونه پیروزی مادی و معنوی را تشکیل می دهد تا جایی که درباره نقش و اهمیت آن در پیشرفت‌های فردی و اجتماعی آنرا به منزله سر در برابر بدن معرفی کرده است الصبر من الایمان کالرأس من الجسد. در مرحله دوم به افراد با ایمان دستور استقامت در برابر دشمن می دهد و می فرماید «وصابروا» و صابروا، از مصابره از باب مفاعله به معنای صبر و استقامت در برابر دیگران است.

بنابراین قرآن نخست به افراد با ایمان دستور استقامت می دهد (که هرگونه جهاد با نفس و مشکلات زندگی را شامل می شود) و در مرحله دوم دستور به استقامت در برابر دشمن می دهد و این خود می رساند که تا ملتی در جهاد با نفس و اصلاح نقاط ضعف درونی پیروز نشود پیروزی او بر دشمن ممکن نیست و بیشتر شکست‌های ما در برابر دشمنان بخاطر شکستی است که در جهاد با نفس و اصلاح نقاط ضعف خود دامنگیر ما شده است. هم چنین بدین معناست که هر قدر دشمن بر استقامت خود بیافزاید ما نیز بر پایداری و استقامت خود بیفزاییم.

در جمله بعد (رابطوا) به مسلمانان دستور آماده‌باش در برابر دشمن و مراقبت دائم از مرزها و سرحدات کشورهای اسلامی می دهد و می فرماید «از مرزهای خود مراقبت بعمل آورید» این دستور بخاطر آن است که مسلمانان هرگز گرفتار حملات غافلگیرانه دشمن نشوند و نیز به آنها دستور آماده‌باش و مراقبت همیشگی در برابر حملات شیطان و هوس‌های سرکش می دهد، تا غافلگیر نگردند. در بعضی از روایات از علی A این جمله به مواظبت و انتظار نمازها یکی بعد از دیگری تفسیر شده است زیرا کسی که با عبادت مستمر و پی در پی دل و جان خود را بیدار می دارد همچون سربازی است که در برابر دشمن حالت آماده‌باش به خود گرفته است.

جمله «رابطوا» از ماده ربط گرفته شده و آن در اصل به معنی بستن چیزی در مکانی است (مانند بستن اسب در یک محل) و به همین جهت به کاروان سرا، ربط گویند و «ربط القلب» به معنی آرامش دل و سکون خاطر است؛ گویا به محلی بسته شده است و مربوط به معنی مراقبت از مرزها آمده است؛ زیرا سربازان و مرکب‌ها و وسایل جنگی را در آن محل نگهداری می کنند.

خلاصه آنکه «مربطه» معنای وسیعی دارد که هرگونه آمادگی برای دفاع از خود و جامعه را شامل می شود. در فقه اسلامی نیز در باب جهاد بحثی تحت عنوان «مربطه» یعنی آمادگی برای حفظ مرزها در برابر هجوم احتمالی دشمن دیده می شود که احکام خاصی برای آن بیان شده است (مکارم شیرازی، 1383، ج 3، صص 255-266)

آیه دوم

آیه بعدی که در آن واژه (رباط) آمده و دلالت بر تقویت بنیه دفاعی دارد آیه 60 سوره انفال می باشد و أعدوا لهم ما استطعتم من قوة و من رباط الخیل ترهبون به عدو الله و عدوكم و آخرین من دونهم لا تعلمونهم الله يعلمهم و ما تنفقوا من شيء في سبيل الله يوف إليكم و أنتم لا تظلمون (انفال، آیه 60)

ترجمه آیه شریفه «و هر چه در توان دارید از نیرو و اسبهای آماده بسیج کنید، تا با این (تدارکات)، دشمن خدا و دشمن خودتان و (دشمنان) دیگری را جز ایشان - که شما نمی شناسیدشان و خدا آنان را می شناسد- بترسانید و هر چیزی در راه خدا خرج کنید پاداشش به خود شما بازگردانیده می شود و بر شما ستم نخواهد رفت.»

آنچه که از این آیه شریفه برداشت می شود لزوم حد اکثری توان دفاعی در برابر تهاجمات احتمالی دشمنان است و این وظیفه احاد امت اسلامی است. مرحوم علامه طباطبائی در تفسیر این آیه می فرماید «دشمن منافع یک جامعه اسلامی دشمن منافع تمامی افراد است، و بر همه افراد است که قیام نموده و دشمن را از خود و از منافع خود دفع کنند، و باید برای چنین روزی نیرو و اسلحه زیر سر داشته باشند، تا بتوانند منافع خود را از خطر دست برد دشمن نگاه دارند، گو اینکه پاره‌ای از ذخیره‌های دفاعی هست که تهیه آن جز از عهده حکومت‌ها بر نمی آید، و لیکن پاره‌ای دیگر هم هست که مسئول تهیه آن خود افرادند، چون حکومت هر قدر هم نیرومند و دارای امکانات زیادی باشد به افراد مردم محتاج است، پس مردم هم به اندازه خود باید قیلاً فنون جنگی را آموخته و خود را برای روز مبادا آماده کنند. پس تکلیف «و أعدوا» ، تکلیف به همه است. (طباطبائی، پیشین، ج 9، ص 151) از آنجا که تهاجم دشمن همواره از طریق مرز انجام می شود لزوم این آمادگی در مرزها بیش از سایر نقاط کشور می باشد. جمع آوری تجهیزات و ادوات نظامی به دو منظور انجام می شود:

1- بالابردن قدرت دفاعی کشور.

2- ترساندن دشمن و پایان آوردن احتمال حمله آن.

مرحوم علامه در ادامه تفسیر آیه ترهبون به عدو الله و عدوكم و آخرین من دونهم لا تعلمونهم الله يعلمهم می فرماید «این قسمت از آیه شریفه در مقام بیان تعلیل جمله «و أعدوا لهم» است و معنایش این است که این قوا و امکانات دفاعی را تدارک ببینید تا به وسیله آن دشمن خدا و دشمن خود را ترسانیده و از آنان زهرچشم گرفته باشید، و اگر دشمن دین را هم دشمن خدا و هم دشمن ایشان خواند برای این بود که هم واقع را بیان کرده باشد و هم این که ایشان را تحریک نموده باشد» (همان، ص 160) در واقع همین دو نکته، یعنی بالا بردن قدرت دفاعی کشور و ترساندن دشمن و پایان آوردن احتمال حمله آن، اشاره به وظایف خطیر پلیس مرزبانی دارد. پلیس مرزبانی در عین اینکه باید توان دفاعی کشور را در سطح بالایی حفظ بکند، باید با افزایش توانمندی خود در دل دشمنان احتمالی کشور ایجاد ترس کند و از حمله احتمالی آنان به مرزهای کشور جلوگیری کند.

روایات

مطالعه و بررسی روایاتی که در کتب جهاد نقل شده است مبین این نکته است که این روایات، جهاد در تمام انواع خودش را (جهاد ابتدایی، جهاد دفاعی، و.....) را واجب دانسته که در این مجال به بررسی پاره‌ای از آنها می پردازیم.

بررسی روایات نشان می‌دهد که این روایات در سه موضوع در باره جهاد بحث کرده است که در زیر به آنها اشاره می‌کنیم:

روایاتی که بر فضیلت جهاد و رابطه دلالت دارند:

این دسته از روایات فراوان است، و در کتب حدیثی به آنها اشاره شده است. رسول خدا (ص) در خصوص فضیلت مرزبانی فرمودند: «خیر تمام آن در شمشیر (جهاد) است و در سایه شمشیر می‌باشد و امور انسانها جز با شمشیر (جهاد) به سامان نمی‌رسد و شمشیرها کلیدهای بهشت و جهنم هستند» (طوسی، ج 6 بی تا، ص. 126) «یک روز مرزداري در راه خدا از دنیا و آنچه در دنیاست بهتر است» (بخاری، 1371 ش، 1992 م، ج 4، ص. 32) «یک روز حفاظت از مرزهای کشور اسلامی بهتر است از پرداختن به این موضوع، هزار روز در غیر مرزها» (همان). «یک شب حفاظت از مرزهای کشور اسلامی بهتر است از اینکه شخص در خانه خود هزار سال روزها روزه بگیرد و شبها به شب زنده‌داری و تهجد بپردازد» (ابی داود، 1371 ش، ج 3، ص. 12) «یک شب مرزداري در راه خدا مانند این است که هزار شب به تهجد پرداخته و هزار روز، روزه گرفته» (همان، ص. 12) در روایات فوق گرچه از آن وجوب مرزبانی برداشت نمی‌شود اما اهمیت امنیت مرز و فضیلت امر مرزبانی در مکتب اسلام که در جامعیت آن هیچ شکي نیست، کاملاً محسوس است.

روایاتی که بر وجوب جهاد و رابطه دلالت دارند:

امیرالمومنین (ع) می‌فرماید:

«خداوند جهاد را بر مردان و زنان واجب کرد پس جهاد مرد این است که بذل مال و جان نماید تا اینکه در راه خدا کشته شود و...» (طوسی، بی تا، ج 6، ص. 126).

- حضرت علی (ع) در دوران حکومت خود با هر نوع نا امنی مرزی برخورد داشته و دیدگاه‌هایش را می‌توان از این برخوردها و سخنان استنباط کرد. از جمله سخنان آن حضرت نامه ایشان به مرزداران کشور است که در آن ضمن بیان رهنمودهایی، وظیفه خطیر مرزبانی را به آنان گوشزد می‌کند و در قسمتی از آن می‌فرماید:

«بدانید که حق - شما مرزداران مسلح کشور- بر من این است که هیچ رازی را از شما پنهان ندارم جز اسرار نظامی درباره جنگ را، در هیچ جریانی جز اجرای قانون خداوندی بی‌رایزنی با شما تصمیم نهایی نگیرم، پرداخت حقوق‌تان را به تأخیر نیاندازم و جز به پرداخت کامل آن بسنده نکنم و در رابطه با حق، تمامی شما را به یک چشم بنگرم چون من چنین باشم، حق است که شما هم نعمت خداوند را پاس دارید، از من فرمان برید، وظیفه خویش بدانید که دعوتم را بی‌پناهانه پاسخ دهید. درخودسازی و سامان دادن به حوزه مسئولیت خویش کوتاهی نکنید و در راه حق بی‌محابا خود را به امواج خطر بسپارید. پس اگر شما جز در راستای همین حقوق متقابل حرکت کنید برخورد با تخلف و انحراف‌های شما بر من ساده‌ترین باشد و متخلف کیفر عظیم ببیند (نهج البلاغه، نامه 50).

- نیز امیرالمؤمنین (ع) در مواردی که مرزهای کشور اسلامی به خطر افتاده، بشدت با مسئولین مربوطه برخورد و آنها را مورد انتقاد شدید قرار می‌دهد. چنانچه به «کمیل پسر زیاد نخعی» حاکم شهر هیت که از جانب حضرت منصوب شده بود به سبب رها کردن مرزهایی که مسئولیتش بر عهده وی بود و پرداختن به تاراج «قرقیا» نامه‌ای انتقادآمیز می‌نویسد و می‌فرماید: «اما بعد بی‌گمان این روش که مرد مأموریت و مسئولیت خویش را تباه کند و درگیر کاری شود که مسئولیت آنرا ندارد، سند ناتوانی به شمار آید و بیانگر اندیشه‌ای ویرانگر باشد. اقدام تو به تاراج قرقیا و وانهادن مرزهایی که مسئولیتش را به تو سپرده بودیم در حالیکه برای دفاع از آن نقاط و راندن دشمن در آنجا نیرویی نبود جز پراکندگی اندیشه نباشد (همان، نامه 61).

بنابراین حضرت علی (ع) از دریده شدن مرزها و از بین رفتن امنیت مردم و سستی مرزبانان در این امر به شدت احساس ناراحتی می‌کند.

- در مواردی دیگر نیز امام علی (ع) از شکسته شدن حریم امنیت مردمان و سستی مردم کوفه در دفاع از مرزها شکایت می‌کند، چنانچه در خطبه معروف به «جهادیه» درباره حرمت مردمان و مرتبت امنیت ایشان می‌فرماید:

«اینک این برادر غامد است که با نیروی سوارش بر انبار درآمده است و با کشتن حسان پسر حسان بکری لشکریان‌تان را از مواضع مرزی واپس رانده است. گزارش تأیید شده‌ای دریافت کرده‌ام که مردان مهاجم بر زنان آن سرزمین - که بعضی مسلمان و بعضی از اقلیت‌های رسمی و ذمی بوده‌اند - حمله آورده‌اند و خلخال و دستبند و گردنبند و گوشواره‌هایشان را برمی‌گرفته‌اند و زنان جز شیون و زاری و التماس، هیچ مدافع و پناه و پناهگاهی نداشته‌اند و از پس این همه، دشمن متجاوز بی‌آنکه زخمی بردارد و از بینی یکیشان قطره خونی بریزد، سالم و با دستان پر به پایگاه‌های خویش بازگشته است. به خدا سوگند که این گزارش چنان تلخ و تحمل‌ناپذیر است، که اگر مسلمانی در پی شنیدن این فاجعه از شدت اندوه جان سپارد، نه تنها سرزنش سزاوار او نیست، که از دیدگاه من واکنش فراخور او باشد» (همان، خطبه 27).

بنابراین آنچه از این بخش خطبه جهادیه برداشت می‌شود آن است که، حضرت علی (ع) نسبت به امنیت مرزها حساسیت خاص داشته، و امنیت مرزهای کشور اسلامی در اندیشه ایشان بسیار والا و مهم می‌باشد و موضوع مرزبانی و حقوق مرزبانان از وظایف خاص حکومتی است. در بیان ایشان مرزبانی یک وظیفه فردی و یک مسئولیت ساده سازمانی را انجام نمی‌دهد، بلکه برای حفظ مکتب اسلام و بیت المال و جان و مال مسلمین تلاش می‌کند. لذا این مطلب تنها یک تکلیف فردی نیست بلکه افرادی که تعیین می‌شوند برای این کار بایستی از شرایط مکفی حقوقی برخوردار باشند و همانطور که علی (ع) وعده تأمین و حقوق آنها را تضمین می‌کند از آنها نیز می‌خواهد که در عملشان پایدار، وفادار، و صادق باشند.

از این بیان نورانی می‌توانیم استفاده کنیم که پلیس و هر کسی که عهده دار امنیت اجتماعی است، مخصوصاً آنان که در مناطق مرزی مستقر و مشغول به خدمت هستند، حق معیشت کامل از خود و افراد تحت تکفل خود را از حکومت دارند و چنین افرادی که به عنوان (رباط اسلام) سازمان یافته‌اند، تحت پوشش حاکمیت از مزایا و حقوق کافی برخوردار باشند.

ادعیه

در میان ادعیه‌ای که از امامان معصوم به ما رسیده است، بهترین دعا و کاملترین آن برای اهل ثغور یا مرزبانان می‌توان به دعای امام سجاد(ع) اشاره کرد. در واقع این دعا دستورالعمل جامعی برای مرزداران و اصول‌مزداری در اسلام است، اما اینکه چرا حضرت آن را در قالب دعا بیان کرده است بر می‌گردد به شرایط ایشان و دوران خفقانی که پس از واقعه عاشورا برای حضرت ایجاد کردند. در اینجا ترجمه قسمتی از آن، به همراه آنچه که می‌توان از آن فهم کرد را ذکر می‌کنیم.

دعای امام سجاد برای مرزداران :

« بارالها بر محمد و آلش درود فرست و سرحدات و مرزهای مسلمانان را به عزت خود پاس دار، و نگهبان مرزها را به قوت خود تأیید کن، و عطایای ایشان را به توانگری بی‌پایانت سرشار ساز. خدایا بر محمد و آلش درود فرست و بر شمار ایشان بیفز، و اسلحه و جنگ‌افزارشان را کارایی ده و حوزه آنان را محافظت فرما و جوانب جبهه آنان را محکم و نفوذ ناپذیر گردان و جمع آنان را یکدل و هماهنگ کن، و کارشان را روبه‌راه کن، و آذوقه شان را پیایی برسان، و خود به تنهایی مؤونه آنان را کفایت نما، و به نصرت خود تقویت‌شان فرما و به صبر یاریشان ده، و ایشان را چاره‌جویی‌های دقیق بیاموز، خدایا بر محمد و آلش درود فرست و آنان را به آنچه نمی‌دانند معرفت ده و از آنچه بی‌خبر هستند آگاهشان ساز و به آنچه بینش ندارند بینش عطا کن.

خدایا بر محمد و آلش درود فرست و به هنگام برخورد با دشمن یاد دنیای دلفریب را از خاطرشان ببر، و اندیشه‌های فتنه‌انگیز را از دل‌هایشان محو کن و بهشت را نصب العین آنان قرار ده، و آنچه را که در بهشت فراهم آورده‌ای از مسکن ابدی و منازل کرامت، و حوریان زیبا روی، و نهرهای روان با آشنامی‌های رنگارنگ و درختانی بارور با میوه‌های گوناگون در برابر دیدگان‌شان جلوه ده تا هیچ کدام از آنان آهنگ پشت کردن به دشمن ننماید و فکر گریز از هم‌آورد را به خاطر نگذارند.

بارخدایا بدین وسیله دشمنان‌شان را درهم شکن، و دست قدرت آن بی‌خبران از حق را از ایشان کوتاه کن و بین دشمن و جنگ‌افزارشان جدایی افکن و بندهای دل‌شان را بگسل، و میان آنان و زاد و توشه‌شان جدایی انداز، و در راه‌ها سرگردان‌شان ساز، و از مقصد گمراه‌شان کن و کمک و مدد را از آنان قطع فرما و از تعدادشان بکاه و دل‌شان را پر از رعب و وحشت کن و دست‌شان را از فعالیت علیه مرزداران بازدار و زبان‌شان را از سخن حق بر علیه آنان قطع فرما و با شکست دشمن جمع پشت سر ایشان را متفرق کن و به واسطه شکست اینان پیروانشان را از ادامه جنگ بازدار و با خواری و زبونی آن‌ها طمع کسانی را که پس از آن‌ها آیند قطع ساز.

الهی بر آنچه از تو خواستیم قدرت و تدبیر اسلامیان را نیرو بخش و شهرهایشان را استواری ده و اموال‌شان را فزونی بخش و خاطرات‌شان از جنگ با دشمن برای بندگی خودت و از کارزار با آنان برای خلوت و راز و نیاز با خودت آسوده کن، آن‌چنان تا در سراسر سرزمین، جز تو پرستش نشود و احدی از آنان جز برای تو صورت ب خاک نساید.

بارخدایا مسلمانان در هر ناحیه با مشرکانی که در برابر آنانند به کارزار بدار و ایشان را از جانب خود به صفوف پیایی از فرشتگان مدد فرست، تا دشمنان را به دورترین نقطه زمین برانند، شرشان را به کشتن و اسارت آنان از سر مردم بردارند تا این‌که به وحدانیت تو که برای همتا و شریکی نیست، اقرار نمایند.

بارخدایا مشرکان را به مشرکان گرفتار ساز تا از دست‌یابی بر سرزمین مسلمانان بازمانند و آنان را با کاستن عددشان از کاستن مسلمین بازدار و رشته اتحادشان را بگسل تا از همدستی علیه مسلمین بازمانند.

بارخدایا دل‌هایشان را از آرامش تهی ساز و بدن‌هایشان را از توانایی بی‌بهره کن و دل‌هایشان را از چاره‌جویی غافل ساز و اعضایشان را در هم‌آوردی با رجال مسلمین سست گردان و از زد و خورد با قهرمانان اسلامی در دل‌شان هراس افکن و سپاهی از ملانکعات را بر آنان برانگیز تا بر آنان عذاب بارند. چنان‌که روز بدر کردی و به نیروی خود بنیادشان را برکنی و شوکت‌شان را ریشه‌کن سازی و جمعیت‌شان را پراکنده نمایی.

بارخدایا هر رزمنده از اهل آیین تو که با آنان نبرد کند و هر مجاهد از پیروان سنت تو که با آنان جهاد نماید، تا دین تو برتری یابد و حزب تو نیرومندتر شود و بهره‌دوستانت افزون گردد، پس آسانی نصیبش کن و کار را بر او سهل فرما و وی را به درستکاری رسان و همنشینان او را نیکو برگزین و پشت وی را قوی کن و درآمدش را فراوان نما و او را از نشاط و خرمی کامیاب ساز و آتش شوق را در دلش فرو نشان و او را از غم تنهایی پناه ده و یاد همسر و فرزندان‌ش را فراموشش کن و حسن نیت را برایش برگزین و عافیتش را خودت به عهده گیر و سلامت را همراهش ساز و او را از ترس نگهدار و وی را جرأت ده و نیرومندی را روزیش کن و او را به حضرت خود تأیید فرما و سیره و سنن اسلامی را به او بیاموز، و راه صواب در داوری را به او بنمای و ریا را از او دور کن و از عشق به شهرت و آوازه خلاصش کن، و فکر و ذکر و مسافرت و اقامتش را در راه خود برای او قرار ده و وقتی که با دشمنی که نیز دشمن اویند به مصاف ایستد عدد ایشان را بر چشم او اندک نمای و شأن و مقاصدشان را در دل او کوچک ساز و او را بر دشمنان پیروزی ده و دشمن را بر او پیروزی مده و اگر زندگی او را نیکبختی پایان دادی و شهادت را سرنوشت او ساختی، شهادتش را پس از آن قرار ده که دشمن را ریشه‌کن ساخته، و اسارت آنان را به رنج و تعب افکنده و پس از آنکه اطراف مسلمانان امنیت یافته و دشمنی هزیمت کرده باشد.

بارخدایا هر مسلمانی به وقتی که جنگجو در میدان جنگ است و مرزداران به مرزداري مشغول است به امور خانه آنان رسیدگی کند یا در نبود او به کفایت خانواده‌اش برخیزد یا او را به قسمتی از مال خود یاری دهد یا او را به ساز و برگ جنگ مدد رساند یا همت او را به نبرد با دشمن برانگیزد، یا در روی او دعای خیر کند یا حرمتش را در نبود وی رعایت نماید، به او نیز اجر همان رزمنده را وزن به وزن و مثل به

مثل عنایت کن و عمل او را پاداش نقد ببخش که بدون درنگ سود کار خیری را که پیشاپیش فرستاده و شادی خاطری که نتیجه کار اوست، در همین دنیا به چنگ آورد تا آنکه فرا رسد زمان آن فضل و پاداشی که بر او روا داشته‌ای و کرامتی که برای او آماده ساخته‌ای. بارخدا یا هر مسلمانی که امر اسلام او را مهم آید و از اجتماع اهل شرک در برابر ملت اسلام غصه‌دار شود تا جایی که قصد جنگ کند یا آهنگ جهاد نماید، ولی ضعف و ناتوانی او را خانه‌نشین کند یا تنگدستی کارش را کند سازد یا حادثه‌ای تصمیم او را به تأخیر اندازد یا در برابر اراده‌اش مانعی قرار گیرد، پس نامش را در زمره شهیدان و صالحان قرار ده.

خدا یا بر محمد که بنده و فرستاده توست و بر آتش درود فرست، درودی که برتر از درودها و بالاتراز تحیت‌ها، درودی که زمانش را پایان نرسد و رشته‌شمار آن قطع نگردد، مانند کامل‌ترین درودهایی که در روزگاران گذشته به هر یک از اولیائت نثار فرمودی که تویی عطابخش ستوده آغازکننده و بازگرداننده و تویی که هر چه فرمایی به جای آوری» (صحیفه سجاده، 1418 ق، ص 149).

نکات قابل توجه در دعای امام سجاد در مورد مرزداران

در فرازهای این دعای شریف، مطالب ارزشمند و مفیدی است که در بردارنده نکات منظم در امور اداره مرز می‌باشد که می‌توان آنها را به شرح زیر دسته بندی کرد:

از خداوند می‌خواهد که او خود حافظ سرحدات مسلمین باشد. قبل از همه سعی و تلاش‌های انسان و مسلمانان، خداوند است که اراده او فوق اراده‌هاست. اگر او بخواهد ضعیف را بر قوی پیروز می‌سازد و اگر نخواهد قوی هم بر ضعیف پیروز نخواهد شد.

از خداوند می‌خواهد که مؤید اعمال و رفتار و زحمات مرزداران باشد، زیرا در عمل آنها تأییدات الهی، همان مدد غیب است که اگر برای آنها پیش بیاید در عقیده و توان ظاهریشان بیش از پیش‌تأثیر خواهد داشت. از خداوند مسئلت می‌کند که بر مرزداران که صالح و آماده به خدمت هستند عنایت‌های ظاهری خود را از آنان نگیرد و نیرو و تجهیزات که لازم است از آن استفاده کنند؛ به آنها عنایت فرماید تا در نظر دشمن ضعیف جلوه نکنند و خودشان نیز بر حسب آمار و ابزار قدرت احساس غرور و قدرت در برابر دشمن را داشته باشند؛ فلذا تأکید می‌کند که خدایا به آنها آذوقه، مؤنه، سلاح و کثرت نیرو عطا فرماید.

از خداوند می‌خواهد کمال روحی و قدرت معنوی شخصی آنها مضاعف شود. مانند صبر و شناخت، ذهن سرشار از آگاهی، خرد ورزی، تقوی و بندگی، پاداش اخروی و تمام آنچه را که یک انسان لازم است داشته باشد برای آنان طلب می‌نماید.

دعا می‌کند خداوند اتحاد و پیوستگی آنها و محبت و دوستی یکدیگر که از مهمات نظام مرزداري است، به آنها عنایت کند، زیرا هر چند که آنان توجه دارند که اختلاف باعث تضعیف است، اما وسواس و فریب بعضی از مسائل ناخواسته موجب نفاق می‌شود و از خدا می‌خواهد چنین چیزی در میان آنها نباشد، بلکه خداوند دل‌های آنها را به یکدیگر نزدیک بسازد. در این دعا نفرین به دشمنان مرزداران می‌کند و از خداوند شکست و زبونی آنها و آنچه باعث اضمحلال آنها می‌شود را مسئلت می‌کند. زیرا اراده خدا بر شکست دشمن همان تقویت دوستان است.

به هر تقدیر در بند ششم و هفتم از خداوند می‌خواهد که توسعه زیر بنایی اجتماعی مسلمین که همان اقتصاد است لطف کند تا از رونق مطلوب برخوردار باشد و مسلمین از نعمت خدادادی بهره‌مند باشند. آبادانی شهرها و مزارع و کار و تلاش آنها در پرتوی عنایت الهی دچار آفت نگردد و بالعکس با نظر مساعد معبود در بخت و اقبال پیشرفت داشته باشند و در مورد مشرکان و ظالمان به مسلمین عکس آن را از خداوند طلب می‌کند و از معبود می‌خواهد که نظر غضب و عذاب خود را بر آنها نازل کند و بخت و اقبالشان سرنگون، دچار فساد و تباهی شود و خود به خود به کام نابودی هدایت شوند و اقتصاد و مشاغل و مزارع و آبادانی آنها دچار تلاطم و ضعف قرار شود.

در فراز نهم و دهم از خداوند متعال می‌خواهد که نابودی مشرکان محدود اطراف کشور اسلامی نشود بلکه بلاد دور و نزدیک که از دشمنان اسلام حساب می‌شوند همه را دچار تعدی و تخریب نموده و آنان را کیفر نماید.

در بند یازده و دوازده مطالب در مناجات و استدعای امام از خداوند دیده می‌شود که بسیار اعجاب انگیز است. در این بند ابتدا چیزهایی را که واقعا از شرائر و فساد بزرگ برای یک فرد و یا جامعه است، برای دشمنان دین مسئلت می‌کند. مثلاً باریدن سنگ، میکروب ویا و سایر امراض، قحطی، زلزله، خشکسالی و همه آفات، آن‌هم آفت‌های نظیر متعفن شدن آب آشامیدنی را برای مشرکین طلب می‌کند.

متقابلاً برای مرزداران و مجاهدین محافظت از بلاد اسلامی را درست از نقاط مقابل آفات استفاده نموده و برای آنها سلامتی و صحت و شادابی، تحمل دوری از همسر و پدر و دوست، سلامت بعد از شکست دشمن، وقار، نعمت، وفور استعدادها، قدرت، علم، اتحاد و یکپارچگی، عقاید منصوص و محکم و امثال این گونه عوامل ترقی و سعادت را که بهشت واقعی دنیا با آنها ساخته می‌شود، مسئلت می‌کند.

در این فراز آن‌چنان انسان جذب کلام امام A می‌شود که امام اساساً همه خوبی‌ها را از آن مرزداران و مجاهدین اسلام می‌داند و هر چه فقر فلاکت و زبونی است برای دشمنانش آرزو می‌کند و می‌داند که خواست امام معصوم همان خواسته الهی است و در این مطلب شکی نیست.

در پایان که بند 14 و 15 باشد برای همه دلسوختگان دین مبین اسلام دعا می‌کند؛ چه آنان که که توفیق یافته و وظایف و سنن را انجام داده و پاداش و اجرت را از آن خود کرده است و چه آنان که در آرزوی چنین توفیقی بودند، ولی در عمل به دلایل قصوری نه تقصیری، نائل نشده اند، همه را دعا می‌کند و در خاتمه یادی از شخصیت کامل بشریت جدش رسول خدا می‌کند و بر او درود می‌فرستد و از اهل بیت معصومش با تحیت و اکرام نام می‌برد و آرزوی این مقام رسالت و امامت را در جان هر مؤمن و هر عاشقی زنده می‌سازد تا به ولایت آنان پیوسته عشق بورزند و خود را به آرزوی وصال آنها تجهیز کنند.

تا اینجا از آیات کریمه معلوم شد که جهاد و دفاع از کیان اسلامی يك واجب شرعی است و روایات نیز در باب دفاع دلالت بر وجوب و در خصوص مرزبانی و رابطه، مادامی که تهدید از ناحیه دشمن نباشد يك امر مستحب مؤکد می‌باشد. اما در هر صورت چه جهاد یا دفاعی در بین باشد یا نباشد، بر حاکم اسلامی و امت اسلام واجب است که آمادگی لازم برای دفاع از کیان اسلامی و خنثی نمودن هرگونه تهدید احتمالی از طرف دشمنان، که این مهم با ذخیره تجهیزات و امکانات و آموزش افراد ممکن است و در وجوب آن بین فقها

اختلافی نیست را داشته باشند. آن چه در اینجا مورد بحث است نوع وجوب آن می باشد، بر این اساس در ادامه بحث به بررسی دیدگاه فقها در این زمینه می پردازیم.

دیدگاه حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله العالی):
در این مبحث به بیان آراء مختلف در این زمینه می پردازیم که آیا این وجوب به نحو عینی است که بر تمام مکلفین شرعا واجب است و با اقدام عده ای از دیگران ساقط نمی شود مانند نماز و روزه و امثال آن، یا خیر وجوب آن به نحو کفایی است که اگر عده ای انجام دهند وجوب آن از دیگران ساقط است؛ مانند امر به معروف و نهی از منکر و نماز میت و امثال آن.

حضرت امام خمینی (ره)
حضرت امام خمینی در کتاب تحریر الوسیله در باب دفاع چنین می فرماید:
« لوغشی بلاد المسلمین او ثغورها عدو و مجتمعهم یجب علیهم الدفاع عنها بایه وسیله ممکنه من بذل الاموال والنفوس » « اگر بلاد مسلمین یا مرزهای کشور اسلامی مورد تعرض دشمنان قرار گرفت واجب است بر مسلمانان دفاع از مرزهای کشور اسلامی با هر وسیله ممکن اعم از بذل مال یا بذل جان (و شرکت در جنگ و شهادت) (امام خمینی، 1373، ج 1، ص 485)
و در جایی دیگر می فرماید: « لا شرط ذالک بحضور الامام A و اذنه و لا اذن نائبه الخاص او العام فیجب الدفاع علی کل مکلف با یه وسیله بلا قید و شرط » در دفاع از مرزهای کشور اسلامی آن زمان که مورد تجاوز دشمنان قرار گیرد اذن امام معصوم و حضور ایشان و همچنین حضور نائب خاص یا عام ایشان (مبنی بر حکم جهاد) شرط نیست و دفاع بر تمام مکلفین با هر وسیله ممکن واجب است بدون هیچ گونه قیدی و شرطی و یا در جایی دیگر در خصوص دفاع از مرزهای کشور اسلامی بیاناتی فرموده اند که مؤید نظر فقهی ایشان است. « حفظ ثغور اسلام جزء فرائضی است که هیچ فریضه ای بالاتر از آن نیست » (امام خمینی، 1362، ص 90)

حضرت آیت الله خامنه ای
معظم له در بیانات خود به مناسبت های مختلف، مطالبی به شرح ذیل بیان کرده اند که مؤید نظریه فقهی ایشان می باشد:
برای حفظ مرزها و امنیت مردم آمادگی رزمی به معنای حقیقی کلمه جزء وظایف عمومی و همگانی است. نیروهای مسلح در این زمینه و ظایف سنگینی را بر عهده دارند (سایت مقام معظم رهبری).
« در همه جا نیروی انتظامی یک فصل مشترک میان آحاد مردم در کوچه و خیابان و مسکن و محل کار و جاده و بیابان و مرز - هر جا که مردم هستند و میان دستگاه های اداره کننده کشور است » (ناصر زاده، همان، ص 95)
« بخشی از این امنیت مربوط به امنیت مرزها است، مرزهای هر کشوری در معرض تهدید و شکسته شدن به وسیله نیروهای متجاوز و متعرض و زیاده خواه و قدرت های جهان گشا قرار دارد. بنابراین امنیت مرزها یک بخش مهم از امنیت ملی است » (همان، ص 179)
« نیروی انتظامی باید نظم و امنیت را طبق شرح وظایفی که قانون برایش معین کرده در سراسر کشور بخصوص در مناطق مرزی و بالاخص در برخی مناطق که گاهی اشرار در آنجا نظم و امنیت را مورد اختلال قرار می دهند به اثبات برساند » (همان، ص 138)
« امنیت هم متعلق به همه است، امنیت تهران واجب تر از امنیت مردم مرزنشین جنوب و غرب کشور نیست » (همان ص 176)

آیت ا... نوری همدانی
آیت ا... نوری همدانی از مراجع معظم تقلید، دفاع در برابر هجوم دشمن را واجب شرعی دانسته اما نوع آن را که عینی است یا کفایی معلوم نکرده است. ایشان در این زمینه می فرمایند: « اگر دشمن بر بلاد مسلمانان و سرحدات آن هجوم نماید، واجب است بر جمع مسلمانان دفاع از آن به هر وسیله ای که امکان داشته باشد از بذل جان و مال و در این امر احتیاج به اذن حاکم شرع نیست ». « نوری همدانی، 1386، مسئله 2813)

آیت ا... فاضل لنکرانی
مرحوم آیت ا... فاضل لنکرانی از دیگر مراجع معظم تقلید دفاع از مرزهای کشور اسلامی را واجب دانسته و بدون اشاره به نوع وجوب می فرمایند: « اگر دشمن بر بلاد مسلمانان و سرحدات آن هجوم نماید واجب است بر جمیع مسلمانان دفاع از آن به هر وسیله که امکان داشته باشد از بذل جان و مال و در این امر احتیاج به اذن مجتهد جامع الشرائط نیست. » (فاضل لنکرانی، 1382، مسئله 2118)

به استناد نظرات مطروحه:
- جهاد را واجب کفایی دانسته اند
- جهاد را در دو دسته تقسیم بندی کرده اند:
الف) جهاد ابتدایی علیه کفار و مشرکان برای دعوت آنان به اسلام و یا پذیرش حکومت اسلامی. و پرداخت جزیه. حضرت آیه الله العظمی خامنه ای (مد ظله العالی) در خصوص زمان غیبت و حاکمیت ولی فقیه مبسوط الید، قول قوی را اختیار ولی فقیه در صدور حکم جهاد ابتدایی می دانند. که به بررسی این نظریه در پایان این مبحث خواهیم پرداخت.
ب) جهاد دفاعی برای دفع حمله کفار و مشرکان که همگی آن را واجب دانسته اند.

بررسی نظر فقهی حضرت آیت الله العظمی خامنه ای مدظله العالی در خصوص مسئله جهاد در عصر غیبت

همان طور که گفته شد در دو مورد بین فقها اختلاف نیست:

- 1 در جهاد ابتدایی یا دفاعی با حضور امام معصوم A یا نائب خاص ایشان و دلیل آن روشن است.
 - 2 در جهاد دفاعی یا احتمال ترس از تهاجم به اساس نظام اسلامی نیز بین فقهاء نظر واحد وجود دارد که دفاع از کیان اسلام بر همه مکلفین واجب و هیچ شرط و محدودیتی ندارد.
- اما سخن در جهاد ابتدایی در زمان غیبت امام معصوم A با حضور ولی فقیه مبسوط الید است که آیت الله خامنه‌ای قول قوی را در آن دانسته‌اند که در شرایط مذکور ولی فقیه می‌تواند اذن جهاد علیه کفار و مشرکان را در صورت مصلحت صادر کند. به نظر می‌رسد آنچه در ابداع این نظریه وجود دارد شرایط زمان و مکان است که این شرایط برای فقهای قبل از ایشان فراهم نبوده است و اساساً تصور اینکه می‌توان در زمان غیبت حکومتی اسلامی تشکیل و در رأس آن ولی فقیه جامع‌الشرایط قرار گیرد و ایشان در آن نظام دینی دارای امکانات و اختیارات گسترده باشد برای گذشتگان نبوده، لذا در فتاوی خود نیز به آن نپرداخته‌اند.
- علی‌هذا با عنایت به اینکه در حال حاضر زعامت امت اسلامی با ایشان است و ایشان مرجعی مبسوط الید می‌باشند و با توجه به اینکه نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از قوای مسلح در تابعیت معظم له می‌باشد ضرورت دارد قوانین و مقررات داخلی این نیرو با مبانی فقهی ایشان برابری داشته باشد که در این مجال و با توجه به امکان وقوع جهاد ابتدایی از طرف ایشان ضرورت دارد پرسنل این نیرو شرایط شرعی مجاهد که در نظریات فقها به آن اشاره شد، را داشته باشند (اجوبت الاستفتاءات، 1420 ه.ق).

نتیجه‌گیری

مرزبانی و حفاظت از مرزهای دولت اسلامی در زمره یکی از ارکان اصلی دولت اسلامی است، چرا که عدم حفاظت از مرزها و به تبع آن سرزمین‌های اسلامی دشمنان حکومت، جامعه و امت اسلامی را در موضع‌شان قوی‌تر و در حمله به بلاد اسلامی جری‌تر خواهد کرد و نهایتاً کیان حکومت اسلامی را با خطر مواجه خواهد کرد. بر این اساس است که حفاظت و دفاع از نظام اسلامی همانگونه که در احکام اسلامی آمده است وظیفه تک تک افراد جامعه اسلامی است. وظیفه‌ای که هم در قرآن به عنوان مهم‌ترین کتاب و مرجع دینی ما مسلمانان و هم در سایر متون دینی هم‌چون احادیث، روایات و ادعیه بر آن تأکید شده است و نهایتاً این که فقها و مراجع تقلید به عنوان منبع و ملجأ فکری، فقهی و معنوی جامعه اسلامی بر آن تأکید کرده‌اند.

پس بی‌راه نخواهد بود که در پایان این نوشتار مدعی شویم که وظایف پلیس مرزبانی نه فقط یک وظیفه قانونی و عرفی بلکه به گونه‌ای اساسی‌تر یک وظیفه شرعی مبتنی بر احکام اسلامی است. امید است که همه ما در دفاع از سرزمین و نظام اسلامی از جان و دل نهایت همت و تلاش خود را به کار بندیم چرا که این مهم نه تنها وظیفه ما به عنوان شهروندان ایرانی بلکه به عنوان وظیفه‌ای شرعی می‌باشد. این امر در مورد پرسنل نیروی انتظامی به طور عام و پلیس مرزبانی به طور خاص از اهمیتی دوچندان برخوردار می‌باشد، چرا که وظیفه اصلی این عزیزان در جامعه اسلامی حفظ امنیت مرزهای کشور است و بایسته است که از مبانی شرعی رسالت خود، حقوق و تکالیفی که از این مبانی مستفاد می‌شود آگاهی داشته باشند تا هم به مردم خدمتی بزرگ کرده باشند و هم وظیفه شرعی خویش را به نحو احسن انجام دهند تا هم توفیق دنیوی و هم توفیق اخروی حاصل نمایند.

پیشنهاد

پلیس مرزبانی و مرزبان غیور، علاوه بر اطلاع از وظایف و حقوق قانونی خود، بایسته است که از جنبه‌های فقهی و شرعی این حقوق و تکالیف در ارتباط با وظیفه خطیر مرزبانی، آگاهی یابد تا از انضباط معنوی و ارتقای وجدان کاری که غایت اخلاقی کارکنان ناجا می‌باشد، برخوردار شوند.

منابع:

- * قرآن کریم.
- 1- 1389، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، تهران، گنجینه.
 - 2- ابی داود، سلیمان بن اشعث السجستانی الازدی، 1992م، 1371ش، السنن، جلد 3، بیروت، دارالجلیل.
 - 3- امام سجاد (ع)، 1418ق، صحیفه سجادیه، ترجمه حسین انصاریان، قم، دفتر نشر الهادی.
 - 4- بخاری، محمدابن اسماعیل، 1371 ش، 1992 م، جامع الصحیح، المسند المستخرج الصحیح الامام المسلم، جلد 4، بیروت، دار الفکر.
 - 5- بهجت، محمد تقی، 1385، جامع المسائل، جلد 2، قم، دفتر حضرت آیت ا... العظمی محمد تقی بهجت،
 - 6- حلی، محقق نجم الدین جعفر بن حسن، 1371 ش، 1992 م، الرسائل التسع، بیروت، دار الفکر.
 - 7- حسینی خامنه‌ای، سید علی، 1420 ق، اجوبت الاستفتاءات، بیروت، الدار الاسلامیه.
 - 8- امام خمینی، روح الله، 1373، تحریر الوسیله، جلد 1، قم، انتشارات مهر.
 - 9-، 1362، جنگ و شهادت، تنظیم و گردآوری منوچهر وکیلان، تهران، انتشارات وزارت، فرهنگ و ارشاد اسلامی.
 - 10- طباطبائی، محمدحسین، 1383، المیزان فی تفسیر القرآن، جلد 1، ترجمه موسوی همدانی، قم، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.
 - 11- طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، 1375، تهذیب الاحکام، جلد 6، قم، موسسه النشر الاسلامیه.
 - 12-، 1371، الاقتصاد الهادی الی طریق الرشاد، قم، مؤسسه النشر الاسلامیه.

- 13- عاملی، محمد بن مکی (شهید اول)، 1373، للمعه الدمشقیه فی فقه الامامیه، ترجمه و تبیین محسن غرویان و علی شیروانی، قم، دار الفکر.
- 14- عالم، عبد الرحمن، 1385، بنیادهای علم سیاست، چاپ پانزدهم، تهران، نشر نی.
- 15- علی بابایی، غلامرضا، 1369، فرهنگ علوم سیاسی، ج 1، تهران، شرکت نشر ویس، چاپ دوم.
- 16- قرائتی، محسن، 1387، تفسیر نور، جلد 2، تهران، مرکز فرهنگی درسهای قرآن، چاپ یازدهم.
- 17- کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، 1407 ق، اصول کافی، کتاب جهاد، تهران، دار الکتب، اسلامیه، چاپ چهارم.
- 18- لنکرانی، فاضل، 1382، رساله توضیح المسائل، مشهد، والعصر، .
- 19- مکارم، ناصر، 1383، تفسیر نمونه، جلد 3، قم، دار الکتب الاسلامیه .
- 20-، 1377، منتخب قوانین، تهران، گردآوری و تدوین توسط بازرسی ساعس ناجا، اداره کل تحقیق و امور قضایی.
- 21- ناصرزاده، هوشنگ، 1380، مجموعه قوانین نیروهای مسلح، تهران، انتشارات خورشید، .
- 22- ناصری، محمد باقر، 1360، تفسیر مجمع البیان، جلد 4، تهران، انتشارات فراهانی .
- 23- نوری همدانی، حسین، 1386، رساله توضیح المسائل، تهران، آدینه سبز.
- 24- والاس، ام، ربه کا، 1378، حقوق بین الملل عمومی، ترجمه محمد شریفی، تهران، نشر نی .